

پلیس ویژه ابلاغ و اجرای احکام کیفری

(تاریخ دریافت: ۲۳ آذر ۱۳۹۷ - تاریخ پذیرش: ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۸)

علیرضا سایبانی*: استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد، واحد بندرعباس
مجتبی قهرمانی: دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد، واحد قشم

چکیده

تشکیل پلیس ویژه اجرای احکام کیفری و ابلاغ مستقر در محل دادرسی و تحت نظارت و تعلیمات دادستان، نوآوری‌های دو دستورالعمل ساماندهی واحدهای اجرای احکام کیفری مصوب ۱۳۸۸ و ۱۳۹۱ رئیس قوه قضاییه است. ایجاد این پلیس، با قانون اساسی مغایرتی نداشته لذا در قوانین عادی، از جمله قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به وظیفه اجرایی و تشکیل آن در واحدهای اجرای احکام کیفری و تعزیرات حکومتی اشاره شده است. تشکیل این نهاد ویژه، موجب تسریع در ابلاغ اوراق قضایی و اجرای سریع احکام می‌شود. با وجود مقررات کافی و نیاز شدید واحدهای اجرای احکام به یک پلیس تخصصی جهت اجرای دستورات و تصمیمات قضایی، تاکنون به این مهم پرداخته نشده است. هدف مقاله تشریح جایگاه قانونی و وظایف پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ و جلب توجه مسئولین به تأسیس این نهاد در سراسر کشور خواهد بود. مقاله حاضر با نگاه توصیفی - تحلیلی و به روش اسنادی می‌باشد که از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و همچنین استفاده از تجارب قضایی خصوصاً اجرای احکام کیفری و راه اندازی پلیس مربوط در استان هرمزگان^۱ تهیه شده است و تلاش می‌کند تا به نقش و جایگاه این پلیس در ساماندهی واحدهای اجرای احکام کیفری بپردازد.

کلیدواژه‌ها: ابلاغ احکام، اجرای احکام کیفری، پلیس ویژه، ضابط.

E- mail: <Saybain.a@gmail.com>

*نویسنده مسئول

۱. این پلیس با ظرفیت ۷ نفر نیروی رسمی و ۲ نفر نیروی وظیفه که از کلاتری و پاسگاه‌های شهرستان سازمان‌دهی شده بودند در مهرماه ۹۳ در ساختمان دادرسی عمومی و انقلاب بندرعباس راه‌اندازی و یک مامور ارشد به عنوان فرمانده آن منصوب گشت. اکنون ماموران پلیس مذکور به ۱۱ نفر نیروی رسمی، شامل: ۹ نفر آقا و ۲ نفر خانم افزایش یافته است. آمار جلب محکومین قبل از تشکیل این پلیس به صورت تخمینی به کمتر از ۳۰۰ نفر در سال می‌رسید لکن بعد از ایجاد پلیس مذکور، تعداد ۸۰۷ نفر در ۶ ماهه دوم سال ۹۳، ۱۹۵۰ نفر در سال ۹۴، ۲۵۶۵ نفر در سال ۹۵ و ۲۲۹۱ نفر در سال ۹۶ جلب و به واحدهای اجرای احکام معرفی شده‌اند.

مقدمه

لازمه تأمین هدف مجازات‌ها، توجه به دو اصل فوریت در اعمال و حتمیت اجرای مجازات است. «هر چه فاصله زمانی میان تبه‌کاری و کیفر کوتاه‌تر باشد، تداعی دو مفهوم جرم و کیفر در ذهن انسان قوی‌تر و پایدارتر خواهد ماند، به نحوی که انسان رفته رفته یکی را علت و دیگری را معلول ضروری و حتمی به شمار می‌آورد» (بکاریا، ۱۳۶۸: ۹۶). اهمیت مراتب فوق در کنار لزوم فردی کردن مجازات‌ها، سیستم‌های مختلف حقوقی را به توجه بیشتر در مرحله اجرای احکام از طریق ارتقاء جایگاه «قاضی اجرای مجازات‌ها» و ایجاد «دادگاه اجرای مجازات‌ها»^۱ وادار نموده است. البته تقویت جایگاه قاضی اجرای مجازات‌ها نیازمند حضور عناصر دیگری، از جمله پلیس تخصصی و کارآمد خواهد بود.

پلیس از کُنشگران اصلی فرآیند کیفری محسوب می‌شود که به‌عنوان ضابط فنی یا قضایی، در آغاز فرآیند رسیدگی کیفری با شهروندان روبرو می‌شود. پلیس معمولاً نخستین نهادی است که در جریان ارتکاب جرم قرار می‌گیرد (رجبی، ۱۳۸۸: ۱۵) لکن از نقش پلیس در مراحل بعدی فرآیند کیفری خصوصاً مرحله اجرای حکم نیز نباید غافل شد. با وجود تلاش گسترده مراجع انتظامی، اطلاعاتی، دستگاه قضایی و صرف هزینه‌های فراوان، شاهد آن هستیم که پرونده‌های کیفری در واحدهای اجرای احکام انباشت شده و آخرین مرحله فرآیند کیفری که همان اجرای حکم و چشاندن طعم عدالت به بزه‌دیده و جامعه است، با کندی و تعلل مواجه است. به همین علت رئیس قوه قضاییه برای برون‌رفت از این معضل در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۱ دو دستورالعمل با عنوان ساماندهی اجرای احکام کیفری به تصویب رسانده است.

یکی از مواردی که به خوبی در این دستورالعمل‌ها دیده شده، تشکیل پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ است. با تشکیل این پلیس، دو مشکل اساسی از واحدهای اجرای احکام کیفری تا حدودی مرتفع خواهد شد. به این ترتیب مشکل قدیمی ابلاغ اوراق و دیگری دستگیری محکومین متواری که باعث انباشت پرونده‌ها شده‌اند، را حل می‌نمایند. علاوه بر آن تشکیل پلیس مذکور گام مهمی در راستای تحقق اصول فوریت و حتمیت در اجرای مجازات‌ها به شمار می‌آید.

۱. ماده ۱-۷۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه با اصلاحات ۲۰۱۲ «قاضی اجرای مجازات‌ها و دادگاه اجرای مجازات‌ها شامل

مراجع اجرای مجازات‌های درجه اول (بدوی) است.»

کلمه پلیس را واژه‌ای یونانی و مشتق از ریشه «پلی‌تیا» و «پلی‌تیکا» به معنی حکومت و مدیریت می‌دانند (صانعی، ۱۳۹۱: ۱۳۶). یکی از وظایف خطیر پلیس ایجاد امنیت است. چراکه امنیت حالت فراغت نسبی از تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند و امنیت از ضروری‌ترین نیازهای یک جامعه است. امنیت در گفتمان سلبی، بر نبود خطر و تهدیدات استوار بود ولی در گفتمان ایجابی به تأمین و تضمین آسایش و آسودگی نظر دارد (کریمایی، ۱۳۸۹: ۸).

از سویی تحقق امنیت امری است فنی و تخصصی و با توجه به پیشرفت‌های دنیای امروز هر نهادی جهت ارتقاء و کارآمدی، نیاز به تخصص دارد. پلیس نیز از این مقوله مستثنی نبوده است هرچند که تاکنون اقدامات موثری در راستای تشکیل پلیس‌های تخصصی مثل: پلیس پیشگیری، آگاهی، اطلاعات و امنیت عمومی، مبارزه با مواد مخدر، امنیت اخلاقی، فرودگاه، پلیس راه آهن و ... صورت گرفته است ولی در حوزه تخصصی امور قضایی، از جمله مرحله اجرای احکام، کماکان این خلاء احساس می‌شود. علاوه بر آن، پلیس اجرای احکام به طور خاص با تسریع در اجرای حکم و اعمال مجازات‌ها، نقش مهمی در ارباب عام و خاص و یا در راستای پیشگیری از تکرار جرم، ایفا می‌کند.

۱. جایگاه پلیس ویژه در قوانین عادی

ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری در مقام تعریف ضابطان دادگستری، یکی از وظایف ایشان را ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی اعلام کرده است. همچنین در ماده ۴۸۵ قانون مذکور برای معاونت اجرای احکام کیفری به تعداد لازم قاضی، مددکار اجتماعی، مأمور اجرا و مأمور مراقبتی پیش‌بینی شده است. علی‌الظاهر معاونت اجرای احکام کیفری و قاضی اجرای احکام کیفری پست‌های جدیدی هستند که نیاز به ابلاغ مخصوص از سوی رئیس قوه قضاییه دارند لکن رویه قضایی تاکنون چنین عمل نکرده و با ابلاغ داخلی دادستان، یکی از معاونان وی، تصدی اجرای احکام کیفری را به عهده می‌گیرد و قضات اجرای احکام کیفری همان دادیارانی هستند که با ابلاغ داخلی به این سمت منصوب می‌شوند.

عبارت مأمور اجرا در امور کیفری نیز از ابداعات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است. مأمور در لغت فرمان داده شده و فرمان‌بر است (عمید، ۱۳۸۴: ۱۰۷۶). واژه اجرا نیز در

اصطلاح به کار بردن قانون یا به کار بستن احکام دادگاه‌ها یا مراجع رسیدگی اداری یا اسناد رسمی را گویند؛ همچنین اجرای احکام گاهی به معنای خاص اجرای حکم دادگاه و گاهی به معنی عام اجرای رأی دادگاه اعم از حکم و قرار به کار می‌رود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۹)

در قانون اجرای احکام مدنی مأمور اجرا، همان دادورز بوده که در مواد مختلف قانون به آن اشاره شده است. به موجب ماده ۱۳ این قانون «اگر دادگاه دادورز (مأمور اجرا) نداشته باشد و یا دادورز (مأمور اجرا) به تعداد کافی نباشد، می‌توان احکام را به وسیله مدیر دفتر یا کارمندان دیگر دادگاه یا مأمورین شهربانی یا ژاندارمری اجرا کرد.»

با توجه به مطالب فوق و نظر به این که دادورز یا مأمور اجرا در اجرای احکام حقوقی از کارمندان دادگستری محسوب می‌شود و به نظر می‌رسد که مأمور اجرا در واحدهای اجرای احکام کیفری نیز باید از همان کارمندان بوده و منصرف از ضابطان دادگستری (پلیس) می‌باشد. هر چند که با وجود کارکنانی با ابلاغ رسمی مأمور اجرا، از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، عملاً در واحدهای اجرای احکام کیفری چنین جایگاهی احیا نشده است.

اداره کل تشکیلات و طبقه‌بندی مشاغل، معاونت تشکیلات و بهبود روش‌های معاونت راهبردی قوه قضائیه قوه در فرم شماره ۲۴/۲۲۰۱/۲۱۷۴ شرح وظایف پست سازمانی مأمور اجرا، ۱۱ مورد را به عنوان وظیفه اعلام کرده که شماره ۸ آن انجام مجازات‌های مقرر قابل توجه است.^۱ با توجه به مطالب فوق و مقایسه با جایگاه مأمور اجرای احکام کیفری و مأمور اجرای احکام حقوقی (دادورز) می‌توان گفت که مأمور مراقبت که طبق مواد ۴، ۴۸ قانون مجازات اسلامی انجام وظیفه خواهد کرد. نیز از کارکنان قوه قضائیه است بنابراین مانعی وجود ندارد که حتی از ضابطان یا کارکنان مرتبط سازمان زندان‌ها در این خصوص استفاده شود.

علاوه بر مقررات فوق که در خصوص مأمور اجرا و مأمور مراقبت بیان شد، براساس شق (ط) بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹، اجرا و ابلاغ احکام قضایی یکی از وظایفی است که طبق قانون به عهده نیروی انتظامی (به عنوان ضابط قوه قضائیه) محول شده است. همان‌طور که برابر ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، فرماندهی نیروی

۱. درگاه معاونت راهبردی قوه قضائیه به نشانی <<http://dadplan.ir/Default.aspx?tabid=4305>>، تاریخ

انتظامی اعضای ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز است که در اجرای ماده ۷۵ همین قانون، موظف است برای ابلاغ و اجرای احکام موضوع قانون، مأموران انتظامی آموزش دیده را در واحدهای اجرای احکام قوه قضاییه و تعزیرات حکومتی مستقر نماید.^۱

معمولاً پرونده‌های وارده به اجرای احکام کیفری به دلایل گوناگون مثل ماهیت محکومیت (حبس‌های بلندمدت)، عدم شناسایی محکوم علیه، متواری بودن محکوم علیه و دلایلی مثل کمبود نیروی قضایی و اداری، برای مدتی در واحدهای اجرای احکام باقی می‌مانند لذا با وجود قوانین عادی در خصوص کلیت و نحوه اجرای احکام کیفری، به منظور ساماندهی واحدهای مذکور «دستورالعمل ساماندهی واحدهای اجرای احکام کیفری»^۲ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسید. این دستورالعمل ۲۲ ماده‌ای، مقررات مختلفی در خصوص بازشماری، تطبیق و تصحیح آمار، تهیه گزارش تحلیلی از وضعیت پرونده‌ها، احراز هویت وثیقه‌گذار، نحوه اجرای احکام ضرر و زیان ناشی از جرم، قرار تأمین خواسته کیفری و دستور ضبط وثیقه، تعیین تکلیف پرونده‌های غیابی و تقسیط دیه، آموزش کارکنان و ... وضع کرده است. در ماده ۸ این دستورالعمل آمده است: «جهت تسریع در ابلاغ اوراق قضایی و اجرای احکام به تعداد لازم کارمند و نیروی انتظامی آموزش دیده در محل دادسرا مستقر گردد تا تحت نظارت و تعلیمات دادستان و معاونان او، نسبت به انجام امور محوله اقدام نمایند.» این ماده دارای دو نکته حائز اهمیت است:

۱. برای اولین بار مأموران نیروی انتظامی آموزش دیده جهت تسریع در ابلاغ و اجرای احکام پیش‌بینی و فراخوانده شده‌اند.
۲. از نظر مکانی محل استقرار آن‌ها در دادسرا و تحت نظارت دادستان و معاونان وی لحاظ شده است.

با وجود ابلاغ دستورالعمل مذکور، کماکان مشکل تراکم غیرمتعارف و نابسامانی‌ها در واحدهای اجرای احکام کیفری به عنوان یک معضل قضایی و به علت نارضایتی ارباب رجوع و

۱. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است برای ابلاغ و اجرای احکام موضوع این قانون مأموران انتظامی آموزش دیده را در واحدهای اجرای احکام قوه قضاییه و تعزیرات حکومتی مستقر نماید. وزارت دادگستری و سازمان تعزیرات حکومتی موظف هستند امکانات لازم را برای استقرار این نیروها فراهم کنند.

۲. به شماره ۱۰۰/۲۱۸۹۲/۹۰۰ در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۲۸.

اطاله اجرایی، باعث شد مجدداً در تاریخ ۶ خرداد ۱۳۹۱ (حدود سه سال بعد)، رئیس قوه قضاییه دومین «دستورالعمل ساماندهی واحدهای اجرای احکام کیفری»^۱ را به تصویب برساند. عنوان و مقدمه هر دو دستورالعمل کاملاً یکسان است. در دستورالعمل دوم در مورد اعتبار مقررہ نخست تصریحی وجود ندارد. به نظر می‌رسد با توجه به یکسانی عنوان، مقدمه، موضوعات و اینکه دستورالعمل مؤخر اراده جدید تصویب‌کننده را نشان می‌دهد، استناد به دستورالعمل اول جزء در خصوص موضوعاتی که در دستورالعمل جدید مسکوت مانده است، بلاوجه باشد؛ مانند بحث پرونده‌های دارای احکام غیابی موضوع ماده ۱۱ دستورالعمل اول که در دستورالعمل دوم به آن اشاره‌ای نشده است.

در ماده ۱۸ دستورالعمل مؤخر با ادبیاتی مشابه ماده ۸ دستورالعمل قبل، آمده است: «جهت تسریع در ابلاغ اوراق قضایی و اجرای سریع احکام به تعداد لازم کارمند و مأمور انتظامی آموزش دیده (پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ) در محل دادسرا مستقر تا تحت نظارت و تعلیمات دادستان نسبت به انجام امور محوله اقدام نمایند.» تنها نکته جدید این ماده نسبت به ماده قبلی آن است که عنوان «پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ» برای مأموران انتظامی آموزش دیده که می‌بایست در دادسرا مستقر شوند، وضع شده است؛ به عبارت دیگر، این ماده به صراحت وجود پلیس مخصوص و آموزش دیده تحت نظارت دادستان و مستقر در محل دادسرا را با عنوان خاص، ابداع کرده است.^۲

۱. به شماره ۱۰۰/۸۵۶۳/۹۰۰۰ در ۲۲ ماده.

۲. لایحه پلیس قضایی در قالب ماده واحده شامل هفت تبصره توسط قوه قضاییه تهیه شده و به موجب نامه شماره ۱۰۰/۱۷۱۴۵/۹۰۰۰ در تاریخ ۹۳/۳/۳۱ برای تقدیم به مجلس شورای اسلامی به وزارت دادگستری ارسال شده است لکن در تاریخ ۹۳/۹/۲۵ وزیر دادگستری اعلام کرده است که لایحه مزبور در هیأت دولت مطرح و مورد مخالفت قرار گرفته است. پس از آن رئیس قوه قضاییه در اجرای قانون الحاق یک تبصره به ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضاییه مصوب ۹۲/۷/۲۰ و تکلیف مقرر در بند الف ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۹۳/۱۰/۱ لایحه مذکور را به منظور سیر مراحل تصویب و تقنین به مجلس شورای اسلامی ارسال نموده است و در تاریخ ۹۳/۱۰/۷ اعلام وصول شده و در انتظار بررسی در مجلس است. به موجب این ماده واحده «به منظور تسهیل و تسریع در اجرای وظایف و اختیارات قوه قضاییه و در راستای اجرای بند الف ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۸۹/۱۰/۱۵، پلیس قضایی به صورت واحدی زیر نظر رئیس قوه قضاییه تشکیل می‌گردد.

وظایف و اختیارات این واحد عبارتند از: ۱. ابلاغ اوراق و آرای قضایی ۲. اجرای احکام کیفری ومدنی و تعزیرات حکومتی ۳.

۲. ماهیت و وظایف پلیس قضایی یا پلیس ویژه

آنچه که در بند ۱ و ۲ وظایف و اختیارات لایحه پلیس قضایی ملاحظه می‌شود، همان است که پیش از این در خصوص پلیس ویژه اجرای احکام مطرح شد لکن تبصره ۲ این ماده واحده، (لایحه یاد شده) پلیس قضایی را به عنوان ضابط خاص و تحت نظر قوه قضاییه قلمداد کرده است، در حالی که پلیس ویژه اجرای احکام مذکور در دستورالعمل‌های ساماندهی اجرای احکام کیفری و ماده ۷۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ ضابط عام محسوب می‌شوند. در ادامه منصرف از نام پلیس قضایی که همچنان باید منتظر تصویب آن باشیم، ضمن تفکیک وظیفه ماموران ویژه در اجرای احکام و موضوع ابلاغ اوراق قضایی، تحقیق را پی می‌گیریم.

۲-۱. وظایف پلیس ویژه مرتبط با ابلاغ

امر ابلاغ یکی از پایه‌های اساسی دادرسی عادلانه است لذا دادرسی بدون ابلاغ امکان‌پذیر نیست؛ به عبارتی ابلاغ و آگاهی مخاطب، لازمه حق دفاع و رکن اصلی دادرسی است بنابراین ابلاغ صحیح و به موقع اوراق قضایی و اخطارها به شخص مخاطب و آگاه کردن اینجانب دعوا از محتویات دعوی با اوراق قضایی و وقت رسیدگی از موضوعات مؤثر در دادرسی عادلانه برای پرهیز از اطاله دادرسی است. دقت و سرعت در امر ابلاغ از یک سو باعث افزایش رضایت‌مندی مراجعین و از سوی دیگر باعث کاهش سوءاستفاده و تخلف درونی دستگاه خواهد شد.

ابلاغ از ریشه ثلاثی مجرد «بَلَّغَ» است و در لغت به معنای «رساندن یا رسانیدن نامه یا پیام به کسی است» (عمید، ۱۳۸۲: ۷۳). همچنین ابلاغ در معنای حقوقی از معنای لغوی آن دور نشده و به معنای «رساندن اوراق دعوی و اوراق اجرایی و اظهارنامه‌ها و احکام دادگاه‌ها به کسی که هدف آگاه کردن اوست» می‌باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۶۸). مسأله ابلاغ هم به لحاظ حجم اوراق ابلاغی و هم هزینه بالا، کمبود نیروی انسانی و امکانات، ناکارآمدی مأمورین و عدم ارتقاء ساختاری و گاهی فساد اداری، به عنوان یکی از مشکلات اساسی دستگاه قضایی از دیرباز مورد توجه بوده است.

→

انجام وظایف ضابط قوه قضاییه در موارد ارجاعی.

یکی از جلوه‌های دادگستری نوین و کارآمد، دسترسی سریع و بهنگام به دادگستری است. اصل دسترسی سریع که از جمله اصول راهبردی حاکم بر عدالت آیینی تلقی می‌شود، در پی تسریع اجرای عدالت بوده و دربردارنده اصل استانداردسازی زمان دادرسی بر اساس فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌باشد. اصل ۷ از اصول آیین دادرسی مدنی فراملی و بند ۳ از ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICT) نیز به این اصل اشاره دارند (شهبازی‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۲۲).

در راستای رفع مشکل ابلاغ الکترونیک و استفاده از فناوری در ارائه خدمات قضایی و رسیدگی به پرونده‌ها، مواد ۱۷۵ و ۱۷۶ قانون آیین دادرسی کیفری تدوین و جواز قانونی این مهم صادر شده است به دنبال آن در اجرای مواد مذکور «آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی» در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۹۵ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسید.^۱ با شروع اجرای این آیین‌نامه از مهرماه ۱۳۹۵ در سراسر کشور بود که، تحول عظیمی در حوزه ابلاغ صورت گرفت. براساس بند (ز) ماده یک آیین‌نامه مذکور، ابلاغ الکترونیکی عبارت است از: «ارسال الکترونیکی اوراق قضایی و آگهی‌ها از طریق سامانه ابلاغ».

به منظور تحقق اجرای طرح ابلاغ الکترونیک وجود دو سامانه ضروری است که از سوی قوه قضاییه طراحی و هم اکنون عملیاتی شده است: اول سامانه «ثنا»؛ یا سامانه ثبت‌نام الکترونیکی که عبارت است از: سامانه‌ای برای ثبت‌نام الکترونیکی و دریافت حساب کاربری (بند د ماده ۱۰ آیین‌نامه). دوم سامانه ابلاغ؛ سامانه‌ای الکترونیکی که بر بستر شبکه وب، قابل دسترسی و استفاده برای طرفین دعوا یا نماینده قانونی آنان، دفاتر خدمات قضایی، کارشناسان، ضابط قضایی و سایر اشخاص مرتبط برای ابلاغ اوراق قضایی و نشر آگهی به صورت الکترونیکی است.

به استناد ماده ۹ آیین‌نامه، مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه موظف است برای کلیه اصحاب دعوا، وکلا، نمایندگان قانونی، کارشناسان و دیگر اشخاص مرتبط با پرونده قضایی، حساب کاربری^۲ ایجاد کنند. همچنین مراجعان به قوه قضاییه نیز موظف هستند جهت انجام امور

۱. روزنامه رسمی شماره ۲۰۸۱۱ مورخ ۹۵/۵/۲۸.

۲. بند خ ماده ۱ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، حساب کاربری: عبارت است از یک نشانی الکترونیکی که به هر یک از مراجعان به قوه قضاییه به منظور دسترسی به سامانه ابلاغ اختصاص یافته است. این نشانی معمولاً یک شناسه کاربری و گذرواژه است.

قضایی خود حساب کاربری دریافت نمایند. به عبارت دیگر، کلیه مراجعین اعم از اصحاب پرونده و مرتبط با پرونده و اشخاص حقیقی و حقوقی برای بهره‌مندی از خدمات ابلاغ الکترونیک می‌بایست بدو در سامانه ثنا ثبت‌نام کرد. با ثبت‌نام در سامانه مذکور یک نام کاربری (که کدملی افراد است) و یک گذرواژه دریافت می‌کنند پس از ثبت‌نام اشخاص در سامانه، هرگونه ابلاغی که صادر شود به حساب کاربری و سامانه ابلاغ ارسال می‌شود. قابل ذکر است که صدور هر ابلاغیه از طریق پیامک و پست الکترونیک افراد نیز اطلاع‌رسانی می‌شود. همچنین یک بار ثبت‌نام در سامانه ثنا برای هر شخصی کافی است و هر پرونده‌ای و با هر سمتی که در طول دوران زندگی فرد تشکیل شود، ابلاغیه‌های آن به همان حساب کاربری ارسال می‌شود. سازوکار پیش‌بینی شده در حوزه ابلاغ الکترونیک باعث کاهش چشمگیر ابلاغ سنتی شده است، به نحوی که در کل کشور به میزان قابل توجهی ابلاغ‌ها به صورت الکترونیک انجام می‌شود و این بدان معنی است که به همین میزان مأموریت‌های پلیس در حوزه ابلاغ کاهش یافته است.^۱

همان‌طور که بیان شد در ابلاغ الکترونیکی، سازوکار ابلاغ به گونه‌ای طراحی شده که پس از صدور ابلاغیه در دفتر مراجع قضایی، بلافاصله در بستر شبکه CMS و سامانه، ابلاغیه مذکور در حساب کاربری مخاطب بارگذاری شده و وصول آن به حساب کاربری ابلاغ قانونی و مشاهده آن ابلاغ واقعی محسوب می‌شود لذا در این نوع ابلاغ هرچند عامل انسانی در صدور ابلاغیه دخیل است لکن عامل انسانی در ابلاغ اوراق و وصول آن دخالتی ندارد و همین موضوع یکی از مزایای مهم ابلاغ الکترونیک محسوب می‌شود. به هر حال، آنچه که در خصوص وظیفه پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ گفته شد، ابلاغ سنتی بوده ولی در ابلاغ الکترونیک به لحاظ ماهیت کار، دخالت پلیس تا اندازه‌ای سالبه به انتفاء موضوع است؛ چراکه گستره ابلاغ الکترونیکی محدود بوده و هنوز فراگیر نشده است.

۲-۲. وظایف پلیس ویژه مرتبط با اجرای مجازات‌ها

اجرای حکم و مجازات نیز یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراحل دادرسی کیفری است. به

۲. درگاه مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه به نشانی:

<<http://www.dadiran.ir/Default.aspx?tabid=2351&ID=8655>>

تاریخ مراجعه: ۹۷/۵/۱۸

عبارت دیگر، دادرسی کیفری برای تحقق این مرحله صورت می‌گیرد. اجرا در معنای قانونی عبارت است از: اعمال قدرت عمومی برای تحمیل مفاد حکم مراجع قضایی به محکوم‌علیه و یا اجبار شخص به انجام تعهدات و الزاماتی که با تمایل و یا به امر قانون عهده‌دار گردیده است (فتحی و اقبالی، ۱۳۹۵: ۱). به استناد ماده ۴۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، آراء کیفری در موارد زیر پس از ابلاغ، به موقع اجرا گذاشته می‌شوند: الف) رأی قطعی که دادگاه نخستین صادر می‌کند؛ ب) رأیی که در مهلت قانونی نسبت به آن واخواهی یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام نشده باشد یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام آن رد شده باشد؛ پ) رأیی که مرجع تجدیدنظر آن را تأیید یا پس از نقض رأی نخستین صادر کرده باشد. ت) رأی که به تأیید مرجع فرجام رسیده باشد.

همچنین اجرای احکام کیفری به عهده دادستان و تحت نام معاونت اجرای احکام کیفری قرار دارد. از این قرار، معاونت اجرای احکام کیفری به تعداد لازم قاضی اجرای احکام کیفری، مددکار اجتماعی، مأمور اجرا و مأمور مراقبتی در اختیار دارد. در هر صورت مهم‌ترین وظیفه قاضی اجرای احکام کیفری، صدور دستور اجرای احکام لازم‌الاجرای کیفری و نظارت بر شیوه اجرای آن‌ها است (ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری). همان‌طور که بیان شد، قاضی اجرای احکام برای انجام وظایف خود به عوامل و بازوهای اجرایی نیاز دارد که پلیس ویژه اجرای احکام، اصلی‌ترین نیروی عملیاتی اجرای احکام محسوب می‌شود. طبق مطالعه قوانین و مقررات پیش گفته وظایف پلیس اجرای احکام کیفری و ابلاغ، در عملیات اجرایی و اجرای دستورات و تصمیمات قاضی اجرای احکام به شرح آتی هستند.

۲-۱-۲. جلب محکومان

اصل بر لزوم احضار قبلی محکوم و عدم جلب ابتدایی است لذا توسل به جلب محکوم‌علیه بدون احضار قبلی وی، امری استثنایی و نیازمند استدلال کتبی قاضی اجرای احکام است. تنها دلیل توجیه‌کننده این امر، نیز می‌تواند بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد (خالقی، ۱۳۹۳: ۳۹۵). هرچند بخش عمده‌ای از برگ جلب‌های صادره توسط مراجع قضایی در کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها منجر به دستگیری نمی‌شود که دلایل متعددی دارد؛ مثل کمبود نیروی انسانی، کمبود تجهیزات، فقدان تخصص، فقدان اطلاعات مربوط به محکوم‌علیه و ... این موضوع باعث انباشت پرونده‌ها در واحدهای اجرای احکام کیفری شده است. خصوصاً در پرونده‌هایی که شاکی خصوصی ندارند یا

پرونده‌های دارای رأی غیابی و محکوم‌له ناتوان، این معضل برجسته‌تر است. به این ترتیب، تراکم غیرمتعارف پرونده‌ها و بلات نتیجه بودن بخش عمده دستورات جلب در کلانتری و پاسگاه‌ها، فلسفه تشکیل «پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ» است. آنچه که از این نیروی عملیاتی توقع می‌رود، افزایش کارآیی در دستگیری محکومین و چشاندن طعم عدالت به جامعه است. در راستای افزایش کارآیی پلیس ویژه اجرای احکام درخصوص جلب محکومین اقدامات زیر مؤثر بوده است:

۱. تجهیز پلیس مذکور به سامانه‌های اطلاعات افراد که در اختیار ناجا است، برای پالایش اطلاعات محکومین و شناسایی دقیق محل اقامت و سکونت ایشان قبل از عملیات دستگیری؛
۲. اجازه دسترسی پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ به اطلاعات محکومین مذکور در پرونده قضایی مثل: تصویر محکوم‌علیه،^۱ نوع جرم، نوع محکومیت، میزان محکومیت و نحوه ارتکاب جرم، اطلاعات شاکی، اطلاعات شهود و مرجع گزارش‌دهنده اولیه و غیره ... جهت استفاده از اطلاعات و انجام موفق عملیات با پیش‌آگاهی کامل؛
۳. تجهیز پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ به سامانه متهمین تحت تعقیب جهت اعلام اسامی محکومین به این سامانه و سامانه متهمین دستگیر شده برای شناسایی محکومین که برگ جلب آنها صادر شده است؛
۴. تجهیز پلیس ویژه اجرای احکام به سامانه پانید (ثبت اطلاعات زندانیان سراسر کشور) برای شناسایی محکومین مجلوب که احیاناً در زندان به سر می‌برند یا وارد زندان می‌شوند؛
۵. تجهیز پلیس به سیستم کنترل تردد (سیستم مدیریت پرونده قضایی) واحدهای قضایی برای شناسایی و جلب محکومین که برگ جلب آنها صادر شده و به مراجع قضایی تردد دارند؛
۶. طراحی نرم‌افزار مخصوص پلیس ویژه اجرای احکام کیفری و ابلاغ جهت ثبت برگ جلب‌ها و دستورات قضایی وارده و تحلیل اطلاعات و آمارگیری و ثبت نتیجه اقدامات.

۲-۲-۲. اجرای دستورات مربوط به حقوق عینی، از جمله رفع تصرفات

در پرونده‌های کیفری مربوط به تصرف عدوانی، مزاحمت ملکی و ممانعت از حق در اراضی

۱. از سیستم مدیریت پرونده قضایی که به سازمان ثبت احوال متصل است، امکان استخراج تصویر وجود دارد.

اشخاص یا تصرف عدوانی اراضی ملی و یا تغییر کاربری اراضی کشاورزی بسته به ماهیت پرونده و نحوه ارتکاب جرم، قاضی صادرکننده حکم موظف است حسب مورد، رفع تصرف عدوانی یا رفع مزاحمت یا ممانعت از حق و رفع تجاوز یا اعاده وضع به حال سابق نماید.

پلیس ویژه اجرای احکام کیفری، تحت تعلیمات قاضی اجرای احکام در این موضوعات اقدام تخصصی خواهد کرد، از جمله رویه عملی اجرای چنین احکامی این است که با آماده‌سازی ماشین‌آلات و تجهیزات لازم و با حضور نماینده اجرای احکام و حضور پلیس ویژه اجرای احکام به عنوان قوه قهریه و کارشناس ذی‌ربط جهت اجرای حکم و حتی با احتمال جلوگیری از مقاومت محکوم علیه و بستگان وی، صورت می‌گیرد.

۲-۲-۳. اجرای مجازات‌های سالب حیات

از آنجا که حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد لذا حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها نیز حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است، تجاوز کند.^۱

در خصوص اجرای مجازات‌های سالب حیات، اضافه بر مقرراتی که درباره تشریفات اجرا، درخواست اجرا و وظایف قاضی اجرا، زمان و مکان اجرا و وظیفه نیروی انتظامی که پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ به عنوان جانشین آن محسوب می‌شود، نکات زیر قابل توجه است:

۱. تأمین امنیت محل اجرای حکم در خارج از محوطه زندان.
۲. جلوگیری از ورود تماشاچی یا طبقات خاصی که حضور آنان بنا به تشخیص دادستان به مصلحت نباشد.
۳. فیلمبرداری و عکسبرداری از مراسم اجرای حکم در مواردی که محل اجرا خارج از محوطه زندان باشد.

۱. هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد، حسب مورد موجب مسئولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت، خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود. (مواد ۱۲ و ۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

۴. امضاء صورتجلسه اجرای حکم.

۲-۲-۴. اجرای مجازات‌های بدنی

بخش عمده‌ای از مجازات‌های بدنی در قوانین جزایی، شلاق یا تازیانه است. شلاق یک نوع مجازات بدنی است که به موجب آن بدن مجرم از طریق نواختن ضربه با شلاق مورد درد و عذاب قرار داده می‌شود، بدون آن که عضوی از اعضاء بدن قطع یا جرح شود و بدون آن که حیات وی سلب شود (احمدی موحد، ۱۳۸۳: ۱۳۴).

البته علاوه بر جنبه فیزیکی و درد ظاهری شلاق، جنبه روانی و ترذیلی اجرای حکم شلاق نیز قابل توجه است. به نحوی که شخص محکوم‌علیه در وضعیتی قرار گرفته که به لحاظ ارتکاب جرم، او را شایسته نواختن تازیانه کرده است، علی‌ای حال، همان‌گونه که در بخش جایگاه قانونی پلیس ویژه اجرای احکام گذشت، اجرای احکام و تصمیمات قضایی به‌طور کلی بر عهده ضابطان و به طور خاص به عهده پلیس ویژه اجرای احکام است. فقدان نیروی خاص و آموزش دیده و یا عدم نظارت مستقیم قضات اجرای احکام موجب شده است تا این مجازات اغلب شدیدتر یا خفیف‌تر از میزان مقرر در حکم دادگاه و یا به نحو نامناسب اجرا شود لذا وجود پلیس ویژه که در خصوص اجرای حکم شلاق نیز آموزش‌های لازم دیده باشند، ضرورتی حتمی است. تا مطابق آیین‌نامه نحوه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام و شلاق مصوب ۱۳۸۲ اقدام گردد. در حقیقت نیز حضور پلیس ویژه اجرای احکام نافی حضور و نظارت مستقیم قاضی اجرای احکام به عنوان مسئول اجرا و ناظر اقدامات در زمان اجرای حکم شلاق نیست. همچنین در خصوص سایر مجازات‌های بدنی مثل: قصاص عضو و قطع عضو نیز پلیس ویژه اجرای احکام وظایفی مشابه موارد مذکور به عهده دارد.

۲-۲-۵. اجرای تبعید یا اقامت اجباری یا منع از اقامت در محل معین

برابر ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین مجازات‌های تکمیلی هستند که دادگاه می‌تواند فردی که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است، با رعایت شرایط قانونی متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات متهم محکوم نماید. طبق مواد ۵۲۵ و ۵۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری شخصی که به

تبعید یا اقامت اجباری محکوم شده است، به دادسرای محل اجرای حکم اعزام می‌شود و نظارت بر حضور و فعالیت محکومان در محل تبعید یا اقامت اجباری به عهده قاضی اجرایی احکام کیفری محل اجرای حکم است. همچنین اشخاصی که به منع از اقامت در نقطه‌ای معین محکوم می‌شوند، از محل تعیین شده اخراج و مراتب به نیروی انتظامی محل و سایر نهادها و مراجع مرتبط ابلاغ می‌شود اما براساس آیین‌نامه مربوط به نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی و مقررات پیش‌گفته، وظایف نیروی انتظامی به طور عام و پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ به‌طور خاص به شرح زیر است:

۱. اعزام محکومان به محل تبعید یا اقامت اجباری؛
۲. ثبت نام محکومان به تبعید در دفتر مخصوص و مراقبت‌های لازم تا پایان محکومیت و انجام حضور و غیاب روزانه؛
۳. اطلاع به فرمانداری و اداره اطلاعات از حضور محکوم‌علیه در محل؛
۴. گزارش خروج غیرمجاز محکوم‌علیه از محل تبعید یا اقامت اجباری به مرجع قضایی؛
۵. گزارش مشاهده محکوم‌علیه در محل یا محل‌های ممنوعه اقامت به مرجع قضایی.

نتیجه‌گیری

در قانون آیین دادرسی کیفری تا حدودی به ارتقا جایگاه قاضی اجرای احکام توجه شده است و برای اولین بار در ماده ۴۸۵، معاونت اجرای احکام و قاضی اجرای احکام پیش‌بینی شده است. در همین راستا نیز پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ، زمینه‌ای مناسب برای احیاء جایگاه واقعی و تقویت نهاد قاضی اجرای احکام است. همچنین به لحاظ تخصصی بودن پلیس ویژه اجرای احکام، قاعدتاً موجبات افزایش کارآیی ضابط (در حال حاضر نیروی انتظامی) نیز فراهم خواهد شد. پس تأسیس پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ، مغایرتی با قانون اساسی ندارد بلکه اصل ۶۱ و بند چهارم اصل ۱۵۶ این قانون زمینه را برای تصویب قوانین عادی در راستای تشکیل پلیس‌های تخصصی برای اجرای عدالت به طور عام و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود به طور خاص فراهم کرده‌اند.

ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری، یکی از وظایف ضابطان دادگستری را ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی اعلام نموده است و ماده ۷۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، به عنوان

اولین قانون عادی است که به صراحت استقرار مأموران آموزش دیده در واحدهای اجرای احکام قوه قضاییه و تعزیرات حکومتی را مطرح می‌کند. همچنین به استناد مواد ۲۹ و ۴۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری و باتوجه به ساختار سازمانی کارکنان اداری دادگستری و شرح وظایف آنان، مأمور اجرا و مأمور مراقبتی از کارمندان دادگستری هستند ولی پلیس ویژه اجرای احکام کیفری و ابلاغ در حال حاضر باید از مأموران نیروی انتظامی باشد.

بالحاظ سیستم گسترده مدیریت قضایی پرونده‌ها و متعاقباً ابلاغ الکترونیکی در سراسر کشور، امروزه در مراجع قضایی با دو نوع ابلاغ سنتی و الکترونیک مواجه هستیم. بدیهی است با وجود بستر ابلاغ الکترونیک که در فضای مجازی و با تجهیزات الکترونیکی صورت می‌گیرد، پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ در این نوع ابلاغ نقشی ایفا نمی‌کند اما مصادیق ابلاغ سنتی توسط پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ شامل ابلاغ احضاریه، ابلاغ به کفیل و وثیقه‌گذار، ابلاغ برگ جلب و ابلاغ به محکوم‌له همچنان به صورت دستی و نیز فیزیکی صورت می‌گیرد که ضرورت آموزش این مأموران اجتناب ناپذیر است.

پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ در اجرای دستورات مربوط به: رفع تصرفات در حقوق عینی، و اجرای مجازات‌های سالب حیات، اجرای مجازات شلاق، نظارت بر حضور و فعالیت محکومان به تبعید و اقامت اجباری یا منع اقامت در محل معین، استرداد، ضبط یا معدوم کردن اموال ناشی از جرم، شناسایی و توقیف اموال به عنوان نیروی عملیاتی واحدهای اجرای احکام کیفری، می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند.

به دلایل گوناگون مثل کمبود نیرو و امکانات، حجم بالای امور محوله به ضابطان، نفوذ محکومان، فساد اداری، قانون‌گریزی تلاشی برای شمول مرور زمان، عدم نظارت‌ها و ... ممکن است دستگیری محکومین را با تعلل مواجه سازد لذا تشکیل پلیس اجرای احکام و از بین رفتن زمینه‌های مذکور به منظور تسریع در اجرای مجازات‌ها و دستگیری به موقع محکومین، تأثیر مثبتی بر قطعیت اجرای مجازات‌ها خواهد داشت پس هرچه احتمال دستگیری افزایش یابد، اجرای مجازات هم قطعی‌تر خواهد بود. به عبارت دیگر افزایش احتمال جلب محکومین نیز منوط به افزایش توان و امکانات پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ است؛ چون بخشی از محکومین متواری واحدهای اجرای احکام، در سطح جامعه مجدداً به اقدامات مجرمانه خود ادامه می‌دهند. اقدامات

پلیس ویژه اجرای احکام در دستگیری به موقع آن‌ها و معرفی ایشان برای اعمال مجازات، خصوصاً افرادی که به حبس محکوم شده‌اند، موجب ارتقاء امنیت اجتماعی و پیشگیری از تکرار جرم توسط افراد مذکور- از طریق حذف زمینه جرم و ارباب خاص و همچنین پیشگیری از ارتکاب جرم توسط سایرین از طریق ارباب عام- خواهد شد.

در جمع‌بندی مطالب مقاله پیشنهاد می‌شود: از بین نیروهای موجود که بعضاً به صورت متفرقه مشغول انجام مأموریت‌های جلب محکومین هستند و به دلایل گوناگون کارآیی مطلوب ندارند، پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ در محل دادسراها تشکیل داده و یک افسر ارشد به ریاست این پلیس تعیین گردد که طبق وظایف مطروحه در این تحقیق انجام وظیفه نمایند. با این کار بخشی از بار مسئولیت جلب محکومین از دوش پاسگاه‌ها و کلانتری‌ها برداشته و در عوض وظیفه آنان در واحدی تخصصی و با کارآیی بالاتر انجام خواهد شد. در این صورت قوه قضائیه دستورالعمل جامع‌ای را درخصوص نحوه تشکیل پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ و با تعیین وظایف و مأموریت‌ها و محل استقرار و نحوه تأمین نیرو و امکانات و تجهیزات این پلیس تدوین و ابلاغ نماید تا در سراسر کشور، پلیس مذکور به عنوان یکی از رده‌های پلیس پیشگیری یا یک پلیس تخصصی فعالیت خود را آغاز نماید.

کتاب‌نامه منابع و مأخذ

- آخوندی، محمود. (۱۳۹۰). *آیین دادرسی کیفری «سازمان و صلاحیت مراجع کیفری»*. جلد دوم. چاپ سیزدهم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آشوری، محمد. (۱۳۸۸). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول. چاپ پانزدهم. تهران: سمت.
- احمدی موحد، اصغر. (۱۳۸۳). *اجرای احکام کیفری*. چاپ اول. تهران: میزان.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۹). *علوم جنایی*. «مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری - نگه‌داری تحت نظر». چاپ سوم. تهران: سمت.
- استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ و بولوک، برنار. (۱۳۷۷). *آیین دادرسی کیفری «موضوع و نهادهای دادرسی کیفری»*. ترجمه حسن دادبان. جلد اول. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- بکاریا، سزار. (۱۳۸۰). *رساله جرایم و مجازات‌ها*. ترجمه محمدعلی اردبیلی. چاپ چهارم. تهران: میزان.
- بوریگان، ژان و سیمون، آن ماری. (۱۳۸۹). *آیین دادرسی کیفری*. ترجمه عباس تدین. چاپ اول. تهران: خرسندی.
- پیکا، ژرژ. (۱۳۹۰). *جرم‌شناسی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ دوم. تهران: میزان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۷). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ نوزدهم. تهران: گنج دانش.
- خالقی، علی. (۱۳۹۳). *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*. چاپ اول. تهران: شهر دانش.
- رجبی، ابراهیم. (۱۳۸۸). *پلیس و حقوق شهوندی*. چاپ اول. تهران: علوم پلیسی.
- صناعی، پرویز. (۱۳۹۱). *حقوق جزای عمومی*. جلد دوم. چاپ چهاردهم. تهران: گنج دانش.
- اکرمی، سام و اکبری، عاطفه. (۱۳۹۵). «نقش پلیس در پیشگیری از جرم قاچاق کالا». *مجله مطالعات علوم سیاسی حقوق و فقه*. دوره ۲. شماره ۳/۱. صص ۴۵-۳۴.
- باقری نژاد، زینب. (۱۳۹۰). «نقش پلیس زن در حمایت از زنان و کودکان بزه‌دیده مواد مخدر و روانگردان». *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*. سال ششم. شماره ۱۹. صص ۱۹۰-۱۶۳.
- جهانتاب، محمد. (۱۳۸۴). «پلیس مقتدر»، *فصلنامه دانش انتظامی*. سال هفتم. شماره ۲. صص ۱۳۹-۱۲۶.
- رضوی، محمد و خزایی، علی. (۱۳۸۷). «حقوق شهروندی در فرآیند کشف جرم». *فصلنامه دانش انتظامی*. سال نهم. شماره ۴. صص ۱۰۷-۸۵.
- شهبازی‌نیا، مرتضی؛ غمامی، مجید و جوان، صدیقه. (۱۳۹۶). «فناوری اطلاعات و ارتباطات و عدالت قضایی» *فصلنامه علمی - پژوهشی دیدگاه‌های حقوق قضایی*. دوره ۲۲. شماره ۸۰ و ۷۹. صص ۱۴۸-۱۲۱.
- شیرانی، پویا و حیدری، مسعود. (۱۳۹۶). «نقش شکل‌گیری پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در پیشگیری از جرم». *مجله کارآگاه*. سال نهم. شماره ۳۹. صص ۹۱-۷۷.
- فتحی، مرتضی و اقبالی، عباس. (۱۳۹۵). «وظایف قاضی اجرای احکام کیفری در قوانین جزایی ایران». *اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی*. لرستان. مؤسسه عدالت گستر بارکه

افلاک. صص ۱۴-۱.

- ◀ کریمایی، علی اعظم؛ مرادیان، محسن و عباسی، علی. (۱۳۸۹). «نقش نیروی انتظامی در تأمین امنیت». *فصلنامه دانش انتظامی*. سال دوازدهم. شماره ۲. صص ۵۰-۷.
- ◀ محمد نسل، غلامرضا. (۱۳۸۳). «آشنایی با پلیس قضایی فرانسه (افراد، وظایف و اختیارات قضایی و مقایسه آن با ضابطان قضایی ایران)». *فصلنامه دانش انتظامی*. سال ششم. شماره ۲. صص ۸۱-۶۷.
- ◀ نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۴). «رویکرد جرم‌شناختی به قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی». *ماهنامه تعالی حقوق*. شماره ۱۴-۱۳. صص ۵۳-۴۷.
- ◀ نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (بهار و تابستان ۱۳۷۸). «پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی». *مجله تحقیقات حقوقی*. شماره ۲۶ و ۲۵. صص ۱۵۰-۱۲۹.
- ◀ یزدی‌خواه، مهدیه سادات. (زمستان ۱۳۸۶). «پلیس زن و آسیب‌های موجود در سازمان». *مجله پلیس زن*. شماره ۴. صص ۱۴۲-۱۱۹.

لاتین:

- Ashworth, Andrew and Redmayne, Mike. (2010). *The Criminal Process* (4th Edition). London: Oxford University Press.
- Palmiotto, Michael. (2011). *Community Policing: A Police-Citizen Partnership (Criminology and Justice Studies)*. London: Routledge Publishing.
- Smith, Graham. (2004). *Rethinking Police Complaints*. The British Journal of Criminology. Vol 44.

منابع الکترونیکی

- <<https://www.Civilica.com/paper – FHSROLP 01-706html>>
- <Doi: ssrn.com/abstract=1160485>
- <[dad plan.ir/Default.aspx?tabid=4305](http://dad.plan.ir/Default.aspx?tabid=4305)>
- <<http://www.dadiran.ir/Default.aspx?tabid=2351&ID=8655>>
- <www.eadl.ir>